

ظرفیت‌های کارآفرینی در بخش دامپروری و ایجاد اشتغال

دکتر منوچهر خردمندنیا^۱
محمود دانیالی ده حوض^۲ *
ایوب مردانی^۳

چکیده:

از مهمترین محورهای اساسی تکوین کارآفرینی، توانمندسازی بخش خصوصی، شناسایی ظرفیت‌ها و استفاده از ظرفیت‌ها و قابلیت‌ها در جهت بهبود محیط کسب و کار است. در سه دهه گذشته، به‌رغم تلاش‌های صورت گرفته هیچ اقدامی مشکل‌بیکاری را حل نکرده و نتوانسته است گرد فقر را از چهره منطقه بزدايد. این در حالی است که شهرستان ایزده مراتع وسیع حاصلخیزی دارد و از نظر آب‌وهوایی منطقه‌ای معتدل محسوب می‌شود. هدف این مقاله شناسایی ظرفیت‌های کارآفرینی در بخش دامپروری شهرستان ایزده برای رفع این مشکلات است. ابزار مورد استفاده در این تحقیق پرسشنامه محقق‌ساخته است. روایی پرسشنامه با اعمال نظر استادان و خبرگان تأیید و پایایی آن با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۰. محاسبه گردید. برای تجزیه و تحلیل و شناسایی ظرفیت‌های کارآفرینی از آمار استنباطی، آزمون گروه‌های مستقل F، استفاده شد. نتایج این پژوهش نشان داد که پرورش ماهی در استخر، پرورش گاو شیری، پرورش و نگهداری گوسفند، پرورش ماهی سرد آبی، احداث و توسعه موسسات مرغداری، پرورش ماهی گرم آبی در مناطق گرمسیری و پرورش و نگهداری مرغ بومی اولویت‌های مهم بخش دامپروری در ایجاد اشتغال هستند که سرمایه‌گذاری بخش‌های دولتی، خصوصی و تعاونی می‌تواند نقش مؤثری در این زمینه و در ایجاد اشتغال ایفا نماید.

واژه‌های کلیدی: کارآفرینی، ایزده، کسب و کار، دامپروری

مقدمه:

امروزه، در اکثر کشورها به کارآفرینی و کارآفرینان توجه خاصی می‌شود و تقویت کارآفرینی و ایجاد زمینه مناسب برای توسعه آن، از ابزارهای پیشرفت اقتصادی کشورها و به ویژه کشورهای در حال توسعه به شمار می‌آید. فعالیت کارآفرینی با اثربخشی بالا به توسعه اقتصادی (از جمله اشتغال، نوآوری در فعالیت‌ها، رقابت‌پذیری و ...) منجر می‌شود (Verheul, 2001). همچنین کارآفرینی به دلایل گوناگون جزو عوامل حیاتی پروسه رشد و توسعه اقتصادی تلقی می‌گردد. از طریق این مکانیزم، جامعه اطلاعات تکنولوژیک را به محصولات و خدمات تبدیل می‌کند (Shane,)

۱. عضو هیات علمی دانشگاه اصفهان -

۲. دانشجوی دکترای مدیریت بازرگانی - و (عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ایزده - مربی)

۳. فوق لیسانس علوم تربیتی - مدرس دانشگاه آزاد واحد ایزده - مربی

2000). این نوع ابداع و بدعت، به لحاظ کارآفرینی در محصولات و خدمات و فرآیندها، یک موتور حیاتی است که پروسه تغییر را در جامعه به حرکت درمی‌آورد (Schumpeter, 1934). کارآفرینی نه فقط ناکارآمدی‌های تکنولوژیک بلکه، ناکارآمدی‌های زماری و مکاری در اقتصاد را نیز کشف می‌کند و تقاضای می‌دهد (Shane, 2000).

نقش سرمایه‌گذاری در بخش دامپروری و تأثیر آن بر بازدهی این بخش از اهمیت بسزایی برخوردار است که معیارهای نظری و شواهد تجربی هم مؤید آن هستند. سرمایه‌گذاری در بخش دامپروری علاوه بر اینکه موجب رشد تولید و اشتغال در این بخش می‌گردد، با توجه به ارتباطات پسین و پیشین این بخش با سایر بخش‌ها، به رشد تولید و اشتغال در بخش‌های دیگر نیز کمک می‌کند. آنجا که بیشتر فعالیت‌های دامپروری در مناطق روستایی به منظور جلوگیری از مهاجرت روستاییان به شهرها انجام می‌شود شناسایی عوامل مؤثر بر سرمایه‌گذاری در بخش دامپروری و اتخاذ سیاست‌های مناسب برای گسترش سرمایه‌گذاری و اشتغال‌زایی اهمیت زیادی دارد (اخوان و دیگران، ۱۳۸۹). توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آرمان همه کشورهای در حال توسعه است (بهبزادیان نژاد، ۱۳۸۰). کشورهای مختلف، برای تحقق این آرمان، ابزارهای متفاوتی بر می‌گزینند. از آنجا که عامل «اشتغال» یکی از عوامل اصلی رشد و توسعه کشورها محسوب می‌شود، سایر متغیرهای اقتصادی از جمله، تولید ناخالص ملی، عرضه کالا، خدمات و ... مستقیماً از این عامل تأثیر می‌پذیرند (Shane, 2000). کشورهای مختلف به دنبال طراحی مکانیزم‌هایی جهت اشتغال هر چه بیشتر با استفاده از سرمایه‌های داخلی و خارجی هستند. یکی از سیاست‌های مؤثر برای رفع محرومیت، فقر و بیکاری «طراحی مکانیزم‌های ایجاد کسب و کار» است. شهرستان ایزده یکی از شهرستان‌های محروم کشور است که دارای استعدادهای فراوانی در بخش دامپروری است، ولی، به دلیل عدم استفاده از مکانیزم‌های لازم، بخش دامپروری با معضلات فراوانی مواجه است. شناخت ظرفیت‌های کارآفرینی در بخش دامپروری، به منظور ایجاد کسب و کار، می‌تواند تا حدودی در رفع مشکلات این شهرستان محروم مؤثر واقع شود (داستانبور، ۱۳۸۷). این تحقیق به دنبال شناسایی ظرفیت‌های کارآفرینی موجود در بخش دامپروری شهرستان ایزده است.

در شرایط فعلی با توجه به حجم عظیم بیکاری در کشور باید سرمایه‌گذاری در بخش دامپروری و فعالیت‌های مولد را مورد توجه قرار داد تا شاهد تحولات عظیم در بخش‌های مذکور باشیم. از آنجا که شهرستان ایزده از معدود شهرهای توسعه نیافته کشور است و متأسفانه تاکنون، سرمایه‌گذاری‌های اساسی در آن صورت نگرفته است، شناسایی ظرفیت‌های موجود برای ایجاد کسب و کار و تلاش برای تحقق آن‌ها بسیار مهم و راهگشا است. از آنجا که تلاش برای کارآفرینی بدون بررسی دقیق و علمی با شکست قرین خواهد بود، ضرورت بررسی علمی این موضوع نمایان می‌شود. زیرا با شناسایی ظرفیت‌ها و توانمندی‌های موجود در بخش دامپروری می‌توان اقدام به تحقق آن‌ها نمود و از اتلاف منابع و سرمایه‌گذاری بی‌ثمر جلوگیری کرد. شناسایی نظرات سرمایه‌گذاران و کارشناسان و بکارگیری آن‌ها در جهت پیشرفت سریع‌تر منطقه و به تبع آن، پیشرفت کشور از دیگر مواردی است که اهمیت موضوع مورد بررسی را نشان می‌دهد (رضوی نعمت‌اللهی، ۱۳۸۶). هدف اصلی تحقیق شناسایی ظرفیت‌های کارآفرینی در بخش دامپروری شهرستان ایزده به منظور ایجاد اشتغال (کسب و کار) و اهداف ویژه آن به قرار زیر در نظر گرفته شده است:

- شناسایی ظرفیت‌های کارآفرینی در بخش دامپروری شهرستان ایزده.
- شناسایی ظرفیت‌های کارآفرینی در بخش‌های مختلف دامپروری شهرستان ایزده.
- شناسایی ظرفیت‌های کارآفرینی صنایع تبدیلی در بخش دامپروری شهرستان ایزده
- شناسایی ظرفیت‌های کارآفرینی خدمات در بخش دامپروری شهرستان ایزده.

طرح تحقیق:

مبانی نظری تحقیق: مولفه ها و متغیر های مهم این بررسی شامل کارآفرینی، دامپرووری و اشتغال در ادبیات نظری مورد بررسی قرار گرفته و در اینجا ارائه می شود.

نگاه اجمالی به وضعیت کار آفرینی در کشورهای در حال توسعه: تامل در روند مراحل پیشرفت در کشورهای پیشرفته و در حال توسعه ای که به موضوع کارآفرینی توجه نموده اند، نشانگر آن است که این کشور ها توانسته اند به پیشرفت های چشمگیری در زمینه های مختلف اقتصادی و اجتماعی دست یابند و حداقل بحران های پیش آمده را به سلامت پشت سر بگذارند، یا بحران هایی را مهار کنند که وقوع آن را پیش بینی می کردند (احمدی، ۱۳۸۴).
کشورهای پیشرفته از دهه های قبل و کشورهای در حال توسعه در سال های اخیر بر نقش موثر و مثبت کارآفرینان اقتصادی در جامعه، بهره برداری از این پتانسیل ها را جهت مواجهه با معضلاتی نظیر رکود، تورم و عدم اشتغال مورد توجه قرار داده اند.

این توجه در حد تدوین استراتژی ها، سیاست ها و برنامه های عملی جهت گسترش روحیه و رفتار کارآفرینانه، آموزش و مشاوره، ایجاد فضای مناسب برای فعالیت کارآفرینان در عرصه های مختلف اقتصادی - اجتماعی، رفع موانع، ایجاد ارتباط و همکاری بین آن ها و تسهیل دستیابی آن ها به بازارهای جهانی بوده و نتایج قابل توجهی را نیز در پی داشته است.

مرکز **کوفما** که در مسائل کارآفرینی فعالیت دارد، وضعیت کارآفرینی را در ۲۹ کشور جهان ارزیابی کرده است. بررسی دقیق این گزارش می تواند در برنامه ریزی جهت توسعه کارآفرینی با ارزش باشد. این مرکز حداقل با ۲۰۰۰ نفر کارآفرین در هر کشوری تماس گرفته، به بررسی وضعیت آن ها پرداخته و با بیش از ۹۵۰ متخصص ملی در امور کارآفرینی گفتگو داشته و حجم وسیعی از اطلاعات استاندارد شده ملی هر کشور را مورد بهره برداری قرار داده است. پس از بررسی های عمیق، جمعیت کارآفرینی را در کشورها از نظر سطح فناوری و نوع فعالیت به دو گروه اساسی دسته بندی نموده است (سلجوقی، ۱۳۸۶):

۱ - فعالیت های کارآفرینی براساس ضرورت ها

۲ - فعالیت های کارآفرینی براساس فرصت ها

این مطالعات نشان می دهد در کشورهای در حال توسعه نیازهای اولیه و ضرورت ها، مبنای فعالیت های کار آفرینی قرار می گیرد. همچنین بررسی ها نشان می دهد در کشورهایی که زیرساخت ها و قوانین حمایتی مناسبی دارند، قانون مالکیت معنوی رعایت می شود و هزینه قابل ملاحظه ای در بخش تحقیقات و بخش های تحقیق و توسعه (R,D) صرف می شود، کارآفرینی در سطح بالاتری و بر اساس فرصت هاست. لذا سطح فناوری و نوع خدمات کارآفرینی براساس فرصت ها و ضرورت ها بسیار متفاوت است.

در ایران علی رغم اهمیت کارآفرینی در توسعه اقتصادی و اشتغال در کشور، تاکنون ساختار و مدیریت منسجم برای سیاستگذاری، برنامه ریزی، حمایت، هدایت و نظارت بر توسعه کارآفرینی در تشکیلات دولت استقرار نیافته و مجموعه اقدامات انجام شده به صورت پراکنده در حوزه های مختلف پیگیری می شود. (همان منبع).

در دهه های اخیر، تحقیقات کارآفرینی در آمریکا، اروپا و آسیای جنوب شرقی در ایران نیز طی چندسال اخیر کارآفرینی به عنوان عامل ایجاد اشتغال، نقش آن در توسعه اقتصادی کشور و همچنین بحث خصوصی سازی و مدیریت بهینه منابع کشور مورد توجه قرار گرفته است. تحقیقات نشان می دهد که کارآفرینی موضوعی وابسته و محدود به فرهنگ است (Drucker, 1985).

کارآفرینی از دیدگاه‌های مختلف: ژوزف شومپیتر (۱۹۳۴) فرآیند کارآفرینی را «تخریب خلاق» می‌نامد. به عبارت دیگر، ویژگی تعیین‌کننده کارآفرینی همانا کارهای جدید یا ابداع روش‌های نوین در امور جاری است. روش نوین، همان «تخریب خلاق» است. به نظر وی نوآوری در هر یک از زمینه‌های زیر کارآفرینی محسوب می‌شود:

۱- ارائه کالاهای جدید ۲- ارائه روش جدید در فرآیند تولید

۳- گشایش بازاری جدید ۴- یافتن منابع جدید

۵- ایجاد هرگونه تشکیلات جدید در صنعت (Schumpeter, 1934).

هسرویچ کارآفرینی را به «فرآیند خلق چیزی با ارزش و متفاوت از طریق اختصاص زمان و تلاش کافی همراه با ریسک مالی، روانی و اجتماعی همچنین دریافت پاداش‌های مالی و رضایت شخصی از نتایج آن» تعریف می‌کند (فیض بخش ۱۳۸۳).

مزایا و منافع کارآفرینی: بهزادیان نژاد (۱۳۸۰) معتقد است کارآفرینی و کارآفرینان منشأ آثار ارزشمندی هستند که هم آن‌ها، به اجمال، به آن‌ها قرار زیر است:

۱- ایجاد «اشتغال»: به باور محققان، رابطه تنگاتنگ کارآفرین و اشتغال به گونه‌ای است که هرگاه فعالیت‌های کارآفرینی در جامعه کند و آهسته شود نرخ بیکاری آن جامعه افزایش خواهد یافت، تجارب کشورهای مختلف نیز این باور را تأیید می‌کند.

۲- کارآفرینی موجب توزیع مناسب درآمدها و کاهش اضطراب اجتماعی می‌شود.

۳- کارآفرینی موجب بهره‌برداری از منابع و فعال شدن آن‌ها برای توسعه کشور می‌شود.

۴- بهبود کیفیت زندگی، کشف نیازها، ابداع و توسعه کالاها و ایجاد خدمات جدید از جمله ویژگی‌های کارآفرینان است (بهزادیان نژاد، ۱۳۸۰).

۵- کارآفرینی عامل ترغیب به سرمایه‌گذاری، تحریک حس رقابت، عامل تغییر و نوآوری و ایجاد اشتغال می‌شود. کارآفرینی کیفیت زندگی را بهبود می‌بخشد و موجب توزیع مناسب درآمد می‌شود (رضوی نعمت‌اللهی، ۱۳۸۶).

از اجزای کارآفرینی می‌توان، از نوآوری خطرپذیری معتدل، جستجوی فرصت‌ها و تجهیز منابع برای بهره‌برداری از فرصت‌ها از طریق ایجاد کسب و کارهای جدید یا تغییر در سازمان‌های موجود نام برد. در واقع تحقق فرایند کارآفرینی، بدست افرادی صورت می‌گیرد که تمایل زیادی به کامیابی داشته و سخت‌کوشی، پافشاری، ریسک‌پذیری، دورنما سازی خارق‌العاده از جمله ویژگی‌ها و ممیزه روحی - روانی آن‌هاست.

نقش کارآفرینی در اشتغال: زمانی که کارآفرینان یک شغل جدید را شروع می‌کنند بالطبع حداقل، به یک یا چند نیروی استخدامی نیاز دارند تا کارهای خود را سامان بخشند. کارآفرینان به علت قابلیت اشتغال‌زایی به کاهش نرخ بیکاری (که از اهداف کلان اقتصادی و اجتماعی دولت‌هاست) کمک می‌کنند. بنابراین، کارآفرینی می‌تواند زمینه‌ساز اشتغال نیروی کار باشد و نوآوری که توسط خود فرد در فعالیت اقتصادی ایجاد می‌شود به ایجاد اشتغال در جامعه منجر می‌شود. بر اساس نظرسنجی صورت‌گرفته تحت عنوان "فرهنگ کار و نگاه ایرانیان" فقط، ۴۲ درصد از جمعیت ایران خواهان شغل ثابت اداری یا در چارچوب شغل‌های وظیفه‌گرا هستند. در حالی که در سال ۲۰۰۰، بیش از ۶۲ درصد از جمعیت دنیا اظهار داشتند که می‌خواهند دارای شغل مستقل (فعالیت خود اشتغالی) باشند و ۳۴ درصد آنان آماده ریسک‌پذیری به منظور دستیابی به رضایت شغل متکی بر فعالیت‌های فردی بودند. امروزه، روحیه کارآفرینی به شدت در میان جمعیت جوان ایران در حال گسترش است. از طرفی در حال حاضر، با توجه به وضعیت اقتصادی، اجتماعی کشور توجه به کارآفرینی بیش از پیش اهمیت یافته است. با عنایت به اعمال سیاست کاهش

تصدی‌گری دولت و محدودیت‌های سرمایه‌گذاری در بخش خصوصی، سوق‌دهی جوانان و زنان جویای کار به سمت مشاغل کارآفرینی و خوداشتغالی ضرورت می‌یابد (جهانیان، ۱۳۸۵).

کارآفرینی مترادف ایجاد اشتغال نیست بلکه در واقع، فرآیند ایجاد و تأسیس کسب‌وکار یا سازمان جدید است ولی، یکی از اثرات قابل توجه آن ایجاد اشتغال است.

مطالعاتی که در ایالات متحده آمریکا صورت گرفته است نشان می‌دهد از ۲۰ میلیون شغل ایجاد شده و جدید طی سال‌های ۱۹۹۰-۱۹۸۰ بیش از ۳/۵ میلیون شغل ناشی از ایجاد و تأمین سبک و کارهای کارآفرینانه جدید بوده است. اهمیت کارآفرینی از نظر ایجاد شغل باعث شده طی دهه‌های ۱۹۹۰ و ۱۹۸۰ میلادی به تدریج، در کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه وفاق عمومی ایجاد گردد. بحران بیکاری به جز از طریق توسعه کارآفرینی و دمیدن روح نوآوری در کالبد اجتماعی امکان‌پذیر نیست (همان منبع).

مفهوم کارآفرینی در بخش کشاورزی: تعاریف و مفاهیم کارآفرینی در بخش‌های مختلف (کشاورزی، دامپروری، صنعت و خدمات)، از نظر اصول و مبنا، یکی هستند. اصل و ماهیت کارآفرینی در بخش کشاورزی و دامپروری تفاوتی با کارآفرینی در نواحی شهری و سایر بخش‌های اقتصادی ندارد اما، درون‌داده‌های لازم برای توسعه کارآفرینی (رضی سرمایه، مدیریت، آموزش، تکنولوژی، مؤسسات و نهادهای، زیرساخت‌های حمل‌ونقل، دسترسی به بازار، شبکه توزیع و نیروی کار ماهر) در شهرها و مناطق صنعتی و سایر بخش‌های اقتصادی راحت‌تر از مناطق روستایی و کشاورزی و دامپروری یافت می‌شود (داستانبور، ۱۳۸۷).

توسعه هر کشور مستلزم توجه به زیرساخت‌های مهم آن مانند صنایع، منابع طبیعی و کشاورزی و دامپروری است. توسعه بخش دامپروری نه تنها موجب گسترش صنایع تبدیلی و جانبی می‌شود بلکه، نقش مؤثری در اشتغال‌زایی و زدودن فقر و محرومیت دارد. وجود شرایط توپوگرافی، اقلیمی، پستی و بلندی‌ها، ارتفاعات، دشت‌های هموار و چشمه‌های آب شیرین، مراتع متنوع و رودهای روان این منطقه، نوعی دامپروری و کشاورزی ویژه را ایجاد می‌کند. رونق صنعت اکوتوریسم به منظور تفریح گردشگران اشتغال‌زایی مضاعف را در بر خواهد داشت (همان منبع).

توسعه کشاورزی و دامپروری در ایران، تعامل اهداف و راهبردها: ایران به دلیل بهره‌مندی از منابع پایه و مناسب برای کشاورزی و دامپروری از امکانات بالقوه خوبی برای رشد و افزایش سریع محصولات باغی و دامی برخوردار است. در این صورت، تحقق نرخ رشد ۴ تا ۶ درصدی لازم برای کاهش نابرابری درآمدهای شهری و روستایی امکان‌پذیر خواهد بود. همچنین به منظور کاهش نابرابری‌های درآمدی، دولت باید به کشاورزی و دامپروری توجه خاص نماید و اقدام به خرده‌سرمایه‌گذاری‌های گسترده در زمینه خدمات عمومی مورد نیاز کشاورزان و دام‌داران کند. به رغم آن که منشأ بیش از سه چهارم نرخ رشد کشاورزی و دامپروری به زیربخش‌های باغبانی و دام (صنعتی) مربوط می‌شود زیربخش‌های غلات و دامداری سنتی نیز می‌تواند نقش مؤثری در این باره ایفا کند. بیشترین تلاش باید در جهت رشد کالاهای پرارزش صورت گیرد اما، برای رسیدن به رشد کامل باید به سایر زیربخش‌ها هم توجه شود (ملور، ۱۳۸۳).

سه‌م بخش‌های دامپروری کشاورزی در درآمد ملی: بخش‌های کشاورزی و دامپروری از اجزای تشکیل‌دهنده درآمد و تولید ملی در اکثر کشورهاست. به طوری که تا سال‌های ۱۸۵۰، در همه کشورها بالاترین سهم تولید و درآمد ملی کشورها بخش‌های «کشاورزی و دامپروری» بوده است و به تدریج، با پیشرفت‌های تکنولوژی و گسترش بخش‌های صنعت و خدمات، سهم بخش‌های کشاورزی و دامپروری در تولید ملی رو به کاهش نهاده است. در سال ۱۹۵۰، در اکثر کشورهای توسعه‌یافته سهم بخش‌های کشاورزی و دامپروری در تولید ناخالص ملی به ۱۵ تا ۲۰ درصد کاهش یافت. حال آن که بخش‌های کشاورزی و دامپروری در کشورهای در حال توسعه همچنان از جمله

بخش‌های مهم اقتصاد محسوب می‌شود و سهم کشاورزی و دامپروری بین ۲۵ تا ۳۰ درصد تولید خالص ملی است (قره باغیان، ۱۳۷۱).

در ایران، سهم کشاورزی و دامپروری بیشترین سهم را در GDP داشته و این سهم در سال ۱۳۷۵، به ۲۳/۴ درصد کاهش یافته است (همان منبع).

براساس گزارش بانک جهانی در فاصله ۱۹۹۰-۲۰۰۱ کشاورزی و دامپروری ایران، به طور متوسط، ۲/۱۵٪ از تولیدات ناخالص داخلی را به خود اختصاص داده بود. همچنین سهم این بخش از درآمدهای حاصل از صادرات غیر نفتی معادل ۲۶٪ بوده است. این در حالی است که کشاورزی و دامپروری سهم کوچکی از واردات ایران را به خود اختصاص می‌دهد (Bure, 1961).

در کشور ایران در حال حاضر با داشتن جمعیتی هوشمند و مستعد و منابع طبیعی فراوان، تولید ناخالص داخلی (GDP) در سطح نازلی قرار دارد و نسب قابل توجهی از نیروهای جوان و حتی تحصیل کرده از نعمت اشتغال محرومند و برای اولویت ایجاد کار بر سایر فعالیت‌های دولتی در سطوح مختلف تاکید شده است و از آنجا که بسیاری از شرکت‌ها به علت نرخ بهره وری اندک، فقدان تقاضا و ... در آستانه تعطیلی قرار گرفته و یا تعطیل شده اند و موقعیت رقابتی کشور در بازارهای جهانی نیز بسیار ضعیف است، رویکرد «توسعه کارآفرینی» ضرورت دارد.

ارتباط با بازار : کشاورزی و دامپروری علاوه بر تأمین نیازهای مواد غذایی مصرفی، نهاده بعضی از بخش‌های دیگر اقتصادی مثلاً، تولید چغندر قند و نیشکر نهاده برای صنایع قند یا تولید پشم نهاده برای صنایع فرش و غیره را هم تولید می‌کند. ارزش این نهاده‌ها با توجه به اهمیت بازار بعضی محصولات، مثل فرش، فوق‌العاده زیاد است.

بخش‌های کشاورزی و دامپروری علاوه بر عرضه مواد خام، مصرف‌کننده مهم بعضی از محصولات صنعتی هم هستند. گسترش دامپروری و کشاورزی تقاضای این بخش برای محصولات سایر بخش‌ها و نیز رشد تولید ناخالص داخلی را افزایش داده است. تجربه کشورهای توسعه‌یافته نشان می‌دهد که برای توسعه اقتصادی کشورهای جهان سوم «ارتباطات بخش‌ها» ضرورت دارد. محوریت بخش‌های کشاورزی و دامپروری در برنامه پنج ساله دوم نیز بر ارتباطات بخش‌ها و اولویت تأمین نیازهای این بخش‌ها تأکید نموده است. تحقیقات مختلف مؤید آن است که بخش کشاورزی، به خصوص از لحاظ تکنولوژی و خدمات، نارسایی دارد. اگر بخش‌های صنعت و خدمات تأمین این نیازها را در اولویت قرار دهند، می‌توانند موجبات رشد قابل توجه این بخش را فراهم نمایند. تأثیرات برگشتی حاصل از آن موجب رشد همین بخش‌ها خواهد شد. این پتانسیل‌ها به وضوح، در بخش‌های دامپروری و کشاورزی و سایر بخش‌های اقتصادی وجود دارند. با برنامه‌ریزی مناسب می‌توان از این پتانسیل‌ها استفاده کرد. از بین همه فعالیت‌های بشری شاید، کشاورزی و دامپروری باشد که محیط جهانی را در وسیع‌ترین حد دگرگون می‌کند. نیاز به در نظر گرفتن لازمه‌های محیطی در سیاست‌های کشاورزی و دامپروری نخست در «قانون اروپای منفرد» در سال ۱۹۸۶، به عنوان اولین مرحله رسمی و بین‌المللی، در محاسبه وارد شد (Verheul, 2001).

سرمایه‌گذاری کافی، پیوسته و پایدار در تحقیقات کشاورزی و ترویج کشاورزی از وسایل بسیار مؤثری هستند در اقتصاد رقابتی مبتنی بر بازار دنیای کنونی که با تحولات و تغییرات سریع و شتابان محیط بین‌المللی و گذر از جامعه صنعتی به جامعه اطلاعات و ارتباطات و تغییر اقتصاد ملی به اقتصاد جهانی همراه است از کارآفرینی به عنوان «موتور توسعه اقتصادی» یاد می‌شود که می‌تواند در رشد و توسعه اقتصادی کشورها منجر به افزایش بهره‌وری، ایجاد اشتغال و رفاه اجتماعی نقش مهمی را ایفا نماید (سوانس بور، ۱۳۷۹).

اشتغال : بررسی تاریخی نشان می‌دهد که در همه کشورها بخش کشاورزی و دامپروری بیشترین جمعیت شاغل را به خود اختصاص داده است و ویژگی‌های منحصر به فرد بخش‌های کشاورزی و دامپروری این قابلیت را دارد که همواره، تعداد قابل ملاحظه‌ای از جمعیت جویای کار را جذب نماید قبل از سال‌های ۱۸۵۰، در همه کشورها بیش از ۵۰٪

جمعیت شاغل در بخش کشاورزی و دامپروری فعالیت داشتند این درصد طی سال‌های ۱۸۵۰ تا ۱۹۵۰ در کشورهای پیشرفته کاهش یافت و بخش صنعت و خدمات جایگزین بخش کشاورزی و دامپروری شد. به طوری که بعد از سال‌های ۱۹۵۰، در کشورهای توسعه‌یافته حدود ۱۰ الی ۱۵ درصد از جمعیت شاغل، در بخش‌های کشاورزی و دامپروری مشغول بودند در حالی که در کشورهای در حال توسعه بخش‌های کشاورزی و دامپروری یکی از بخش‌های مهم و جمعیت شاغل آن بسیار زیاد است در حال حاضر، ۲۳ درصد از جمعیت فعال کشور ایران در بخش کشاورزی و دامپروری کار می‌کنند.

کشاورزی و دامپروری ایران یک چهارم کل اشتغال را به خود اختصاص می‌دهد، به عبارت دیگر، ۲۵٪ کل فرصت‌های شغلی ایران به بخش‌های کشاورزی و دامپروری مربوط می‌شود. صنایع غذایی کشور به عنوان بخش مهمی از صنایع بخش‌های کشاورزی و دامپروری از نظر تولید ارزش افزوده، بعد از صنایع پالایش نفت، مهم‌ترین بخش صنعتی کشور است.

دامپروری و کشاورزی نقشی مهم و اساسی در ایجاد اشتغال، تولید مواد اولیه برای صنعت، صادرات و ارزآوری ایفا می‌کند و این امر کمک بزرگی به توسعه و خودکفایی کشور است (زمانی پور، ۱۳۷۳).
بررسی همه جانبه وضعیت منطقی مانند هر گونه مقوله دیگری نیازمند تحلیل دقیق وضع موجود است در تحلیل وضع موجود باید نقاط ضعف و قوت هر منطقه شناخته‌شده عنوان مثال توانایی‌ها، استعدادها، جمعیت جوان، آب و هوا، رودهای جاری، زمین حاصلخیز، مراتع بالقوه، ارتفاعات، پستی و بلندی‌ها نقاط قوت و محدودیت‌ها و موانع، نقاط ضعف آن به شمار می‌آیند.

نقش تولید در توسعه کشاورزی و دامپروری: امروزه برای بالا بردن تولید در شیوه جدید، بکارگیری تکنولوژی، تغییر شیوه تولید و نوع تولید کشاورزی و دامپروری امری اجتناب‌ناپذیر است. برای ایجاد این تغییر ابتدا، لازم است نگرش کشاورز، دام‌دار و فرد روستایی در خصوص تولید، تغییر یابد تا زمینه استفاده از شیوه نوین تولید فراهم شود. در این خصوص کیران کراس معتقد است «توسعه، زمانی امکان‌پذیر است که در فکر و اندیشه بشر جایی برای خود بیابد» (قره باغیان، ۱۳۷۱).

دلایل اهمیت بخش دامپروری و کشاورزی در توسعه اقتصادی: چهار دلیل عمده در این ارتباط به قرار زیر ارائه می‌شود:

۱- **مزیت نسبی اقتصادی:** «مزیت نسبی»، یکی از ویژگی‌های تولیدات دامی و کشاورزی و رمز برتری آن نسبت به تولیدات صنعتی می‌باشد. در بعضی از کشورها محصولات، به لحاظ وضعیت طبیعی و جغرافیایی، دارای برتری نسبی هستند. این موضوع بخصوص در کشورهای جهان سوم، با سطح تکنولوژی پایین برای ورود محصولات کشاورزی و دامی به بازار بین‌المللی، اهمیت حیاتی دارد. قابل ذکر آن که محصولات کشاورزی و دامی از مزیت نسبی طبیعی برخوردارند. حال آن که محصولات صنعتی در صورتی می‌توانند با محصولات مشابه رقابت کنند که مزیت نسبی مصنوعی داشته باشند (حقیقی، ۱۳۸۶).

۲- **بی‌نیازی از تکنولوژی پیچیده و تخصص‌های ویژه:** بخش دامپروری و کشاورزی، برخلاف صنعت، با سطوح مختلف تکنولوژی و تخصص می‌تواند کارآمد و حتی، بدون دخالت انسان بازده مناسب داشته باشد. به طوری که منحنی عرضه محصولات صنعتی از مرکز مختصات می‌گذرد ولی، منحنی عرضه محصولات کشاورزی دارای عرض از مبدأ مثبت است. لذا، بخش کشاورزی و دامپروری کشورهای جهان سوم، با تکیه بر مزیت نسبی، به‌رغم پایین بودن سطوح فنی، مالی و انسانی از ظرفیت و پتانسیل‌های لازم برای تولید و توسعه برخوردار است.

انسان برای بقا و رشد، به کالاها و خدماتی نیاز دارد که پیوسته، متناسب با پیشرفت اقتصادی و اجتماعی بر دامنه آن‌ها افزوده شود. در این میان، غذا به عنوان فرآورده بخش کشاورزی و دامپروری اهمیت حیاتی دارد و قابل جایگزین نیست.

۳ - **نیاز به سرمایه ارزی اندک:** در مراحل اولیه توسعه، بخش دامپروری و کشاورزی نسبت به سایر بخش‌ها، به سرمایه‌گذاری ارزی کمتری نیاز دارد. عدم وابستگی شدید بخش کشاورزی به درآمدهای ارزی، بخصوص در کشورهای جهان سوم که معمولاً دچار تنگنای ارزی نیز هستند، مبین اهمیت این بخش در روند توسعه اقتصادی جوامع مذکور است.

۴ - **زمان بازگشت سرمایه:** معمولاً سرمایه‌گذاری در بخش‌های اقتصادی مانند صنایع سنگین، معادن، فلزات و پتروشیمی دیربازده است. به علت وابستگی سرمایه‌گذاری‌ها به اعتبارات دولتی، درآمدهای ارزی و بی‌ثباتی در تأمین آن‌ها اجرای این پروژه‌ها و بازگشت سرمایه‌شان سال‌ها به تأخیر می‌افتد. در حالی که سرمایه‌گذاری در بخش دامپروری و کشاورزی به دلایل مختلف سریع‌تر به بازده و بهره‌برداری می‌رسد. لذا، بازگشت سرمایه در بخش کشاورزی زودتر از صنعت است. (Bure, 1961).

پیشینه تحقیق: مطالعات نشان می‌دهد از ابتدای تاریخ بشر، انسان‌ها همواره به دنبال پیدا کردن عامل موجد ارزش و عامل تغییر بوده‌اند و اولین بار دانشمندان علم اقتصاد به کارآفرینی توجه کردند، عده‌ای فکرمی‌کردند، عامل موجد ارزش طلا و نقره است. عده‌ای دیگر هم عامل موجود را موجد باارزش در زمین و فعالیت‌های کشاورزی و دامپروری جستجو می‌کردند که به فیزیوکرات‌ها معروفند. واژه کارآفرینی^۴ در سال ۱۳۴۷ توسط «جان استوارت میل» به زبان انگلیسی ترجمه شده است، او کارکرد و عمل کارآفرینی را شامل هدایت، نظارت، کنترل و مخاطره‌پذیری می‌دانست و عامل متمایزکننده مدیر و کارآفرین را مخاطره‌پذیری معرفی کرد. بعد از مکتب کلاسیک‌ها، فرد جدیدی به نام «شومپیتر» که از اعضای مکتب اقتصادی آلمان است، مقوله‌ای به نام کارآفرینی را مطرح و آن را به عنوان موتور توسعه اقتصادی معرفی کرد (داریانی، ۱۳۸۶).

در ایران نظام متداول آموزش عالی کشاورزی برای تربیت نیروی انسانی متخصص و دارای قابلیت‌های علمی کاربردی و کارآفرین در دهه‌های گذشته فعالیت‌هایی نموده است، ولی با توجه به هدف‌های پیش‌بینی شده موفق عمل نکرده است. یافته‌های پژوهشی یعقوبی و همکارانش (۱۳۸۵) نشان می‌دهد که مهمترین مشکلات نظام متداول آموزش عالی کشاورزی عبارتند از: عدم تناسب توسعه کمی دانشگاه با ظرفیت اشتغال، عدم ارتباط بین دانشگاه و عرصه عملی کشاورزی، توجه بیش از حد به مدرک، عدم ارتباط بین واحدهای تحقیقاتی بخش کشاورزی، عدم توجه جامعه به متخصصان کشاورزی و ورود سخت به دانشگاه و خروج آسان از آن (یعقوبی و همکاران، ۱۳۸۵). سلطانی (۱۳۸۶) با انجام پژوهشی به بررسی وضعیت سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی ایران و راه‌های افزایش آن پرداخت. وی سرمایه‌گذاری را یکی از عوامل مهم رشد و توسعه اقتصاد هر کشور می‌داند و سرمایه‌گذاری در بخش‌های کشاورزی و دامپروری را به دلیل افزایش مستمر تقاضا برای مواد غذایی، سایر محصولات کشاورزی و رشد جمعیت حائز اهمیت خاصی می‌داند. از جمله دلایل سرمایه‌گذاری ناکافی در بخش‌های کشاورزی و دامپروری ریسک بالای تولید کشاورزی، هزینه بالای نگهداری محصولات، کمبود اعتبار ریالی و ارزی و عدم گسترش صنایع تبدیلی است.

شیخ (۱۳۸۶) به بررسی توسعه کشاورزی و کاهش فقر و گرسنگی پرداخت و یکی از راه های مهم افزایش سرمایه گذاری در بخش کشاورزی را بهبود مشارکت های زودبازده در بخش های دولتی و خصوصی می داند. او معتقد است که مسهولیت این امر از جمله وظایف دولت است تا شرایط سیاسی- اجتماعی پایداری بوجود آورد.

مسلمزاده و همکاران (۱۳۸۶) به بررسی و تحلیل پتانسیل های سرمایه گذاری در بخش های کشاورزی پرداخت و سرمایه را از عوامل بسیار مهم و مؤثر در افزایش بهره وری عوامل تولید نظیر نیروی انسانی، زمین و سایر عوامل می داند. پژوهشگران مذکور در پژوهش های خود به بررسی روند سرمایه گذاری در بخش کشاورزی طی دور ه زمانی ۱۳۸۳-۱۳۴۲، به خصوص طی برنامه های توسعه کشور پرداختند. آنان از جمله موانع سرمایه گذاری در بخش کشاورزی را افزایش نرخ تورم می دانند.

خالدی ۱۳۸۶ در پژوهشی به نقد سیاست افزایش اشتغال در بخش کشاورزی ایران و تأکید بر برنامه چهارم توسعه پرداخته است. وی در پژوهش خود به مطالبی اشاره نموده که به اختصار در زیر آورده می شود:

صحت سیاست افزایش اشتغال در بخش کشاورزی ایران با توجه به نیروی کار مازاد غیرفصلی و کمبود فصلی آن، کمسودای و بیسودای نیروی کار، مشکلات جذب و بکارگیری مؤثر سرمایه در این بخش و ... موجب شده است که دچار تردید اساسی باشد. خالدی در مطالعه خود از طریق اسنادی- تحلیلی و بررسی منابع موجود نظیر برنامه چشم انداز، برنامه چهارم توسعه، قانون اساسی و تجارب و سیاست های ایجاد اشتغال سایر کشورها، سعی داشت مقوله اشتغال کشور و بخش کشاورزی را با تأکید بر برنامه چهارم توسعه بررسی قرار دهد. نتایج حاصل مبین آن است که با شرایط حاکم بر بخش کشاورزی و خصوصیات نیروی کار فعلی آن، پیگیری سیاست افزایش اشتغال، رشد و توسعه این بخش را دچار مشکل می سازد، در برنامه های توسعه کشور، بخش کشاورزی و دامپروری در اولویت دوم قرار دارد. نیروی کار کنونی این بخش مانع سرمایه گذاری و رشد آن است، توسعه مبتنی بر دانایی، راهبرد سه جانبه گرایی و برنامه توسعه کار شایسته در کشاورزی و دامپروری ایران جایگاهی ندارند.

شکوهی (۱۳۸۶) به بررسی تأثیر سرمایه گذاری در تجهیزات و تحقیقات کشاورزی بر ارزش افزوده بخش کشاورزی پرداخته است. هدف او مطالعه بررسی چگونگی تأثیر سرمایه گذاری تحقیقاتی، تجهیزاتی و غیرتجهیزی و همچنین اشتغال کشاورزی بر ارزش افزوده در این بخش است. دوره مورد مطالعه شامل سال های ۱۳۵۰-۱۳۴۸ بوده است. برای دستیابی به هدف پژوهش از الگوی خود توضیح با وقفه های گسترده (ARDL) استفاده شد. بر اساس نتایج مطالعه، با یک درصد افزایش در اشتغال کشاورزی، ارزش افزوده این بخش ۲۰ درصد کاهش می یابد. در حالی که با همین میزان افزایش در مقدار سرمایه گذاری تحقیقات، تجهیزاتی و غیر تجهیزاتی در بخش کارورزی به ترتیب، به میزان ۵٪، ۱۰٪، بر ارزش افزوده این بخش اضافه می شود.

روش تحقیق: این مطالعه از نوع توصیفی است و ظرفیت های بخش دامپروری شهرستان ایذه را مورد بررسی قرار می دهد. بدین وسیله ظرفیت ها و توانمندی ها در بخش مذکور شناسایی می شوند. روش مطالعه، کتابخانه ای- میدانی است. اطلاعات لازم از طریق مطالعه منابع موجود در کتاب ها؛ نظرخواهی از کارشناسان، سرمایه گذران، مدیران و مسهولان و با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته گردآوری شد. روایی پرسشنامه به تأیید استادان و خبرگان رسید و پایایی آن با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۰ محاسبه گردید که از سطح خوبی برای استفاده برخوردار است.

جامعه آماری این پژوهش کلیه کارشناسان، سرمایه گذران، مدیران و مسهولان بخش دامپروری شاغل در شهرستان ایذه است که تعداد آن ۹۰ نفر است. نمونه آماری این پژوهش ۷۰ نفر تعیین شده است که از بین کارشناسان، سرمایه گذران، مدیران و مسهولان بخش دامپروری شاغل در شهرستان ایذه انتخاب شده اند. تعداد مذکور با استفاده از جدول کرجسی و مورگان تعیین شده است. روش نمونه گیری تصادفی طبقه ای بوده است. با توجه به حجم جامعه آماری از جهاد کشاورزی ۴۹ نفر، منابع طبیعی ۹ نفر، گروه کشاورزی دانشگاه ۱۰ نفر و اداره امور عشایر ۲ نفر

انتخاب شدند. در این پژوهش علاوه بر استفاده از منابع موجود در کتابخانه ها و مراکز اسناد، از پرسشنامه ، برای گردآوری داده‌ها استفاده می‌شود. برای تجزیه و تحلیل داده‌های گردآوری شده از آمار توصیفی (میانگین، انحراف معیار) و آمار استنباطی؛ از آزمون F و از آزمون‌های T و Z برای تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده شده است. ضمناً، برای تحلیل داده‌ها نرم‌افزار SPSS مورد استفاده قرار گرفت.

تحلیل یافته‌ها

جدول ۱: مقایسه دیدگاه گروه‌های مختلف در باره نقش پرورش گاو شیری در ایجاد اشتغال در منطقه/ایده

منبع تغییرات	ss	df	ms	F	مقدار احتمال
بین گروه‌ها	۳/۸۹۸	۳	۱/۲۹۹	۲/۰۳۹	۰/۱۱۷
درون گروه‌ها	۴۲/۰۴۵	۶۶	۰/۶۳۷		
کل	۴۵/۹۴۳	۶۹			

با توجه به داده‌های جدول (۱) بین دیدگاه گروه‌های مختلف شرکت کننده در ارتباط با نقش پرورش گاو شیری در ایجاد اشتغال در منطقه ایده با $F=۲/۰۳۹$ و $P=۰/۱۱۷$ در سطح $۰/۰۵$ تفاوت معنی داری وجود ندارد. یعنی اینکه بین دیدگاه افراد مختلف در باره نقش پرورش گاو شیری تفاوتی وجود ندارد.

جدول ۲: مقایسه دیدگاه گروه‌های مختلف در باره نقش پرورش میش در ایجاد اشتغال در منطقه/ایده

منبع تغییرات	ss	df	ms	F	مقدار احتمال
بین گروه‌ها	۳/۹۹۸	۳	۱/۳۳۳	۱/۷۲۹	۰/۱۷۰
درون گروه‌ها	۵۰/۸۷۳	۶۶	۰/۷۷۱		
کل	۵۴/۸۷۱	۶۹			

با توجه به داده‌های جدول (۲) ، بین دیدگاه گروه‌های مختلف شرکت کننده در ارتباط با نقش پرورش میش در ایجاد اشتغال در منطقه ایده با $F=۱/۷۲۹$ و $P=۰/۱۷۰$ در سطح $۰/۰۵$ تفاوت معنی داری وجود ندارد . یعنی بین دیدگاه افراد مختلف درباره نقش پرورش میش در ایجاد اشتغال تفاوتی وجود ندارد .

جدول ۳: مقایسه دیدگاه گروه‌های مختلف در باره پرورش بز در ایجاد اشتغال در منطقه/ایده

منبع تغییرات	ss	df	ms	F	مقدار احتمال
بین گروه‌ها	۵/۲۱۹	۳	۱/۷۴۰	۱/۶۵۵	۰/۱۸۵
درون گروه‌ها	۶۵/۳۵۳	۶۶	۱/۰۵۱		
کل	۷۴/۵۷۱	۶۹			

با توجه به داده‌های جدول (۳) بین دیدگاه گروه‌های مختلف شرکت کننده در ارتباط با نقش پرورش بز در ایجاد اشتغال در منطقه ایده با $F=۱/۶۵۵$ و $P=۰/۱۸۵$ در سطح $۰/۰۵$ تفاوت معنی داری ندارد . یعنی اینکه بین دیدگاه افراد مختلف در باره نقش پرورش بز تفاوتی مشهود نیست.

جدول ۴: مقایسه دیدگاه گروه های مختلف در درباره نقش بز نجدی در ایجاد اشتغال در منطقه ایزه

منبع تغییرات	ss	df	ms	F	مقدار احتمال
بین گروه‌ها	۶/۸۲۱	۳	۲/۲۷۴	۱/۵۳۵	۰/۲۱۴
درون گروه‌ها	۹۷/۷۶۴	۶۶	۱/۴۸۱		
کل	۱۰۴/۵۸۶	۶۹			

با توجه به داده های جدول (۴) بین دیدگاه گروه های مختلف شرکت کننده در ارتباط با نقش بز نجدی در ایجاد اشتغال در منطقه ایزه با $F=۱/۵۳۵$ و $P=۱/۵۳۵$ در سطح $۰/۰۵$ تفاوت معنی داری ندارد. یعنی اینکه بین دیدگاه افراد مختلف در باره نقش بز نجدی تفاوتی نیست.

جدول ۵: مقایسه دیدگاه گروه های مختلف در باره نقش پرورش ماهی قفس در ایجاد اشتغال در منطقه ایزه

منبع تغییرات	ss	df	ms	F	مقدار احتمال
بین گروه‌ها	۱۳/۷۷۹	۳	۴/۵۹۳	۳/۷۲۶	۰/۰۱۵
درون گروه‌ها	۸۱/۳۶۴	۶۶	۱/۲۳۳		
کل	۹۵/۱۴۳	۶۹			

با توجه به داده های جدول (۵)، بین دیدگاه گروه های مختلف شرکت کننده در ارتباط با پرورش ماهی در قفس در ایجاد اشتغال در منطقه ایزه با $F=۳/۷۲۶$ و $P=۰/۰۱۵$ در سطح $۰/۰۵$ تفاوت معنی داری وجود دارد. با توجه آزمون توکی (TUKEY) بین دیدگاه کارکنان امور عشایر و گروه کشاورزی دانشگاه با $P=۰/۰۱۷$ در سطح $۰/۰۵$ تفاوت معنی داری وجود دارد. بین دیدگاه سایر گروه ها تفاوت معنی داری مشهود نیست.

جدول ۶: مقایسه دیدگاه گروه های مختلف در باره پرورش ماهی سردابی در ایجاد اشتغال در منطقه ایزه

منبع تغییرات	ss	df	ms	F	مقدار احتمال
بین گروه‌ها	۱۵/۷۷۴	۳	۵/۲۵۸	۴/۹۹۳	۰/۰۰۴
درون گروه‌ها	۶۹/۴۹۸	۶۶	۱/۰۵۳		
کل	۸۵/۲۷۱	۶۹			

با توجه به داده های جدول (۶) بین دیدگاه گروه های مختلف شرکت کننده در ارتباط با نقش پرورش ماهی سردابی در ایجاد اشتغال در منطقه ایزه با $F=۴/۹۹۳$ و $P=۰/۰۰۴$ در سطح $۰/۰۵$ تفاوت معنی داری دارد. با توجه آزمون توکی (TUKEY) بین دیدگاه کارکنان امور عشایر و گروه کشاورزی دانشگاه با $P=۰/۰۱۳$ و کارکنان امور عشایر و منابع طبیعی با $P=۰/۰۱۷$ در سطح $۰/۰۵$ تفاوت معنی داری وجود دارد بین دیدگاه سایر گروه ها تفاوت معنی داری مشهود نیست.

با توجه به داده های جدول (۷) بین دیدگاه گروه های مختلف شرکت کننده در ارتباط با نقش پرورش ماهی در استخر در ایجاد اشتغال در منطقه ایزه با $F=۰/۸۸۷$ و $P=۰/۴۵۳$ در سطح $۰/۰۵$ تفاوت معنی داری وجود ندارد. یعنی اینکه بین دیدگاه افراد مختلف در باره نقش پرورش ماهی در استخر تفاوتی نیست.

جدول ۷: مقایسه دیدگاه گروه‌های مختلف در باره نقش پرورش ماهی در استخر در ایجاد اشتغال در منطقه ایزده

منبع تغییرات	ss	df	ms	F	مقدار احتمال
بین گروه‌ها	۱/۷۷۴	۳	۰/۵۹۱	۰/۸۸۷	۰/۴۵۳
درون گروه‌ها	۴۳/۹۹۸	۶۶	۰/۶۶۷		
کل	۴۵/۷۷۱	۶۹			

جدول ۸: مقایسه دیدگاه گروه‌های مختلف در باره نقش پرورش ماهی گرم آبی در ایجاد اشتغال در منطقه ایزده

منبع تغییرات	ss	df	ms	F	مقدار احتمال
بین گروه‌ها	۴/۶۴۸	۳	۱/۵۴۹	۱/۰۸۷	۰/۳۶۱
درون گروه‌ها	۸۹/۷۷۰	۶۶	۱/۴۲۵		
کل	۹۴/۴۱۸	۶۹			

با توجه به داده های جدول (۸) بین دیدگاه گروه های مختلف شرکت کننده در ارتباط با نقش پرورش ماهی گرم آبی در ایجاد اشتغال در منطقه ایزده با $F=1/0.87$ و $P=0/361$ در سطح $0/05$ تفاوت معنی داری ندارد . یعنی اینکه بین دیدگاه افراد مختلف در باره نقش پرورش ماهی تفاوت معنی داری وجود ندارد.

جدول ۹: مقایسه دیدگاه گروه های مختلف در باره نقش مرغداری در ایجاد اشتغال در منطقه ایزده

منبع تغییرات	ss	df	ms	F	مقدار احتمال
بین گروه‌ها	۱۴/۵۰۸	۳	۴/۸۳۶	۳/۳۳۲	۰/۰۲۵
درون گروه‌ها	۹۵/۷۷۸	۶۶	۱/۴۵۱		
کل	۱۱۰/۲۸۶	۶۹			

با توجه به داده های جدول (۹) بین دیدگاه گروه های مختلف شرکت کننده در ارتباط با نقش مرغداری در ایجاد اشتغال در منطقه ایزده با $F=3/332$ و $P=0/025$ در سطح $0/05$ تفاوت معنی داری وجود دارد. با توجه آزمون توکی (TUKEY) بین دیدگاه کارکنان جهاد کشاورزی و منابع طبیعی با $P=0/032$ در سطح $0/05$ تفاوت معنی داری وجود دارد. بین دیدگاه سایر گروه ها تفاوت معنی داری نیست.

جدول ۱۰: مقایسه دیدگاه گروه های مختلف در باره نقش پرورش مرغ بومی در ایجاد اشتغال در منطقه ایزده

منبع تغییرات	ss	df	ms	F	مقدار احتمال
بین گروه‌ها	۱۷/۲۹۸	۳	۵/۷۶۶	۵/۱۵۵	۰/۰۰۳
درون گروه‌ها	۷۳/۷۸۸	۶۶	۱/۱۱۸		
کل	۹۱/۰۸۶	۶۹			

بنا به داده های جدول (۱۰)، بین دیدگاه گروه های مختلف شرکت کننده در ارتباط با نقش پرورش مرغ در ایجاد اشتغال در منطقه ایزده با $F=5/155$ و $P=0/003$ در سطح $0/05$ تفاوت معنی داری وجود دارد. با توجه آزمون توکی (TUKEY) بین دیدگاه کارکنان جهاد کشاورزی و گروه کشاورزی دانشگاه با $P=0/007$ در سطح $0/05$ تفاوت معنی داری وجود دارد. بین دیدگاه سایر گروه ها تفاوت معنی داری مشهود نیست.

جدول ۱۱: مقایسه دیدگاه گروه های مختلف در باره نقش پرورش بوقلمون در ایجاد اشتغال در منطقه ایزه

منبع تغییرات	ss	df	ms	F	مقدار احتمال
بین گروه‌ها	۹/۰۳۵	۳	۳/۰۱۲	۲/۷۶۲	۰/۰۴۹
درون گروه‌ها	۷۱/۹۵۱	۶۶	۱/۰۹۰		
کل	۸۰/۹۸۶	۶۹			

مطابق داده های جدول (۱۱) بین دیدگاه گروه های مختلف شرکت کننده در ارتباط با پرورش بوقلمون در ایجاد اشتغال در منطقه ایزه با $F=۲/۷۶۲$ و $P=۰/۰۴۹$ در سطح $۰/۰۵$ تفاوت معنی داری وجود دارد. با توجه آزمون توکی (TUKEY) بین دیدگاه کارکنان جهاد کشاورزی و منابع طبیعی با $P=۰/۰۳۱$ در سطح $۰/۰۵$ تفاوت معنی داری وجود دارد. بین دیدگاه سایر گروه ها تفاوت معنی داری مشهود نیست.

جدول ۱۲: مقایسه دیدگاه گروه های مختلف در باره نقش پرورش شتر مرغ در ایجاد اشتغال در منطقه ایزه

منبع تغییرات	ss	df	ms	F	مقدار احتمال
بین گروه‌ها	۲۴/۲۰۰	۳	۸/۰۶۷	۵/۴۲۷	/۰۰۲
درون گروه‌ها	۹۸/۱۰۰	۶۶	۱/۴۸۶		
کل	۱۲۲/۳۰۰	۶۹			

براساس جدول (۱۲)، بین دیدگاه گروه های مختلف شرکت کننده در ارتباط با نقش شتر مرغ در ایجاد اشتغال در منطقه ایزه با $F=۵/۴۲۷$ و $P=۰/۰۰۲$ در سطح $۰/۰۵$ تفاوت معنی داری وجود دارد. با توجه آزمون توکی (TUKEY) بین دیدگاه کارکنان جهاد کشاورزی و منابع طبیعی با $P=۰/۰۰۳$ و کارکنان منابع طبیعی با گروه کشاورزی دانشگاه با $P=۰/۰۳۹$ و کارکنان منابع طبیعی با کارکنان امور عشایر با $P=۰/۰۲۱$ در سطح $۰/۰۵$ تفاوت معنی داری وجود دارد.

جدول ۱۳: مقایسه دیدگاه گروه های مختلف در باره نقش پرورش غاز در ایجاد اشتغال در منطقه ایزه

منبع تغییرات	ss	df	ms	F	مقدار احتمال
بین گروه‌ها	۱۱/۰۴۱	۳	۳/۶۸۰	۲/۷۱۱	۰/۰۰۵۲
درون گروه‌ها	۸۹/۶۰۲	۶۶	۱/۳۵۳		
کل	۱۰۰/۶۴۳	۶۹			

مطابق داده های جدول (۱۳) بین دیدگاه گروه های مختلف شرکت کننده در ارتباط با پرورش غاز در ایجاد اشتغال در منطقه ایزه با $F=۲/۷۱۱$ و $P=۰/۰۰۵۲$ در سطح $۰/۰۵$ تفاوت معنی داری وجود دارد. با توجه آزمون توکی (TUKEY) بین کارکنان منابع طبیعی با کارکنان امور عشایر با $P=۰/۰۴۴$ در سطح $۰/۰۵$ تفاوت معنی داری وجود دارد. بین دیدگاه سایر گروه ها تفاوت معنی داری مشهود نیست.

جدول ۱۴: مقایسه دیدگاه گروه های مختلف در باره نقش پرورش زنبور در ایجاد اشتغال در منطقه ایزه

منبع تغییرات	ss	df	ms	F	مقدار احتمال
بین گروه‌ها	۱۵/۷۸۴	۳	۵/۲۶۱	۳/۱۲۳	۰/۰۳۲
درون گروه‌ها	۱۱۱/۲۰۲	۶۶	۱/۶۸۵		

			۶۹	۱۲۹/۹۸۶	کل
--	--	--	----	---------	----

بر پایه داده های جدول (۱۴) بین دیدگاه گروه های مختلف شرکت کننده در ارتباط با پرورش زنبوردر ایجاد اشتغال در منطقه ایذه با $F= ۳/۱۲۳$ و $P=۰/۰۳۲$ در سطح $۰/۰۵$ تفاوت معنی داری دارد. با توجه آزمون توکی (TUKEY) بین گروه کشاورزی دانشگاه و کارکنان امور عشایر با $P= ۰/۰۴۴$ در سطح $۰/۰۵$ تفاوت معنی داری وجود دارد. بین دیدگاه سایر گروهها تفاوتی مشهود نیست.

جدول ۱۵: مقایسه دیدگاه گروه های مختلف درباره نقش پرورش کرم ابریشم در ایجاد اشتغال در منطقه ایذه

منبع تغییرات	ss	df	ms	F	مقدار احتمال
واریانس بین گروهها	۲/۳۵۵	۳	۰/۷۸۵	۰/۵۱۱	۰/۶۷۶
واریانس درون گروهها	۱۰۱/۴۱۶	۶۶	۱/۵۳۷		
واریانس کل	۱۰۳/۷۷۱	۶۹			

با توجه به داده های جدول (۱۵) بین دیدگاه گروه های مختلف شرکت کننده در ارتباط با نقش پرورش کرم ابریشم در ایجاد اشتغال در منطقه ایذه با $F= ۰/۵۱۱$ و $P=۰/۶۷۶$ در سطح $۰/۰۵$ تفاوت معنی داری وجود ندارد. یعنی اینکه بین دیدگاه افراد مختلف در باره نقش پرورش کرم ابریشم تفاوتی مشهود نیست. ضمناً میانگین نمره کسب شده در زمینه ی نقش پرورش کرم ابریشم در ایجاد اشتغال $۳/۰۵$ با انحراف معیار $۱/۲۲۶۳$ و نمره های استاندارد $Z = -۱/۲۵۳۲$ و $T=۳۷/۴۷$ است.

جدول ۱۶: مقایسه دیدگاههای مختلف در زمینه ظرفیتهای دامپروری در شهرستان ایذه به منظور ایجاد اشتغال

پتانسیل ها	میانگین نمره کسب شده	انحراف معیار	z	t
گاو شیری	۴/۱۷	۰/۸۱۵۹	۱/۴۲	۶۴/۲
میش	۴/۱۱	۰/۸۰۸۳	۱/۲۸	۶۲/۸
بز	۳/۸۵	۱/۰۳۹۵	۰/۶۷۰۹	۵۶/۷۱
بزنجدی	۳/۳۸	۱/۲۳۱۱	۰/۴۶۲۹	۴۵/۳۷
ماهی قفس	۳/۴۲	۱/۱۷۴۲	۰/۳۵۹۷	۴۶/۴۰۳
ماهی سردابی	۳/۸۴	۱/۱۱۱۶	۰/۶۳۶۶	۵۶/۳۶
ماهی دراستخر	۴/۳۴	۰/۸۱۴۴	۱/۸۳	۶۸/۳
ماهی گرم آبی	۳/۶۸	۱/۱۹۶۰	۰/۲۶۰۷	۵۲/۶۱
مرغداری	۳/۷۱۴۳		۰/۳۲۷۳	۵۳/۲۷
مرغ بومی	۳/۶۸	۱/۱۴۶۸	۰/۲۵۸۵	۵۲/۵۸
بو قلمون	۳/۴۱	۱/۰۸۳۳	۰/۳۹۴۱	۴۶/۰۶
شتر مرغ	۲/۹۰	۱/۳۳۱۳	-۱/۶۳۱	۳۳/۶۹
غاز	۲/۹۲	۱/۲۰۷۷	-۱/۵۶۲۲	۳۴/۳۸
زنبور	۳/۴۱	۱/۳۵۶۶	۰/۳۹۴۱	۴۶/۰۶
کرم ابریشم	۳/۰۵	۱/۲۲۶۳	-۱/۲۵۳۲	۳۷/۴۷

جدول ۱۷: اولویت های بخش دامپروری و نوعان داری به ترتیب میزان ظرفیت ایجاد اشتغال (کسب و کاز)

ردیف	ترتیب اولویت ها	میانگین نمره کسب شده	z	t
------	-----------------	----------------------	---	---

۶۸/۳	۱/۸۳	۴/۳۴۲۹	پرورش ماهی در استخر	۱
۶۴/۲	۱/۴۲	۴/۱۷۱۴	پرورش گاو شیری	۲
۶۲/۸	۱/۲۸	۴/۱۱۴۳	پرورش میش	۳
۵۶/۷۱	۰/۶۷۰۹	۳/۵۸۷۱	پرورش بز	۴
۵۶/۳۶	۰/۶۳۶۶	۳/۸۴۲۹	پرورش ماهی سردآبی	۵
۵۳/۲۷	۰/۳۲۷۳	۳/۷۱۴۳	احداث و توسعه مرغداری	۶
۵۲/۶۱	۰/۲۶۰۷	۳/۶۸۶۶	پرورش ماهی گرم آبی	۷
۵۲/۵۸	۰/۲۵۸۵	۳/۶۸۵۷	پرورش مرغ بومی	۸
۴۶/۴۰۳	-۰/۳۵۹۷	۳/۴۲۸۶	پرورش ماهی در قفس	۹
۴۶/۰۶	-۰/۳۹۴۱	۳/۴۱۴۳	پرورش بوقلمون	۱۰
۴۶/۰۶	-۰/۳۹۴۱	۳/۴۱۴۳	پرورش زنبور عسل	۱۱
۴۵/۳۷	-۰/۴۶۲۹	۳/۳۸۵۷	پرورش بزنجدی	۱۲
۳۷/۴۷	-۱/۲۵۳۲	۳/۰۵۷۱	پرورش کرم ابریشم	۱۳
۳۴/۳۸	-۱/۵۶۲۲	۲/۹۲۸۶	پرورش غاز	۱۴
۳۳/۶۹	-۱/۶۳۱	۲/۹	پرورش شترمرغ	۱۵

نتیجه گیری:

تاریخ گویای این واقعیت است که توسعه و آبادانی در هیچ سرزمینی تصادفی و اتفاقی صورت نگرفته است . هر منطقه برخوردار از فاکتورهای طبیعی مانند آب، خاک، هوا، امکانات محیطی، نیروی انسانی توانمند و تلاشگر همچنین مدیران شایسته و لایق برای استفاده مطلوب تر از عوامل فوق، موجبات رشد اقتصادی و اجتماعی و ... آن منطقه را فراهم می نماید. در طول زمان، بسیاری از تمدن ها به رغم داشتن استعدادهای طبیعی به دلیل ضعف حکومت ها (مدیران)، عدم برنامه ریزی، عدم شناسایی ظرفیت ها و قابلیت های طبیعی دستخوش سیر نزولی شده اند . نظر به آن که قابلیت ها و استعدادهای محیطی معمولاً در طول زمان دچار تغییرات و نوسانات شدید نمی شوند در صورت احیا و رشد ظرفیت های کارآفرینی و نهادهای مدیریتی شان به سرعت، توسعه خواهند یافت.

به طور کلی، بر اساس نتایج پژوهش حاضر و شناسایی اولویت های بخش دامپروری به ترتیب میزان ظرفیت این بخش برای ایجاد اشتغال عبارتند از: پرورش ماهی در استخر، پرورش گاو شیری، پرورش و نگهداری میش و بز، پرورش ماهی سرد آبی، احداث و توسعه موسسات مرغداری، پرورش ماهی گرم آبی در مناطق گرمسیری، پرورش و نگهداری مرغ بومی، پرورش ماهی در قفس، پرورش و نگهداری بوقلمون، پرورش و نگهداری زنبور عسل، پرورش و نگهداری بزنجدی، پرورش و نگهداری کرم ابریشم، پرورش و نگهداری غاز، و پرورش و نگهداری شترمرغ اولویت های اول تا پانزدهم بخش دامپروری هستند.

منابع:

۱. احمدی، رحمان (۱۳۸۵). «کارآفرینی عامل توسعه»، روزنامه سرمایه، شماره ۲.
 ۲. اخوان، پیمان. سیدنقوی، میرعلی. طالقانی، احمد ابراهیمی. بخشا، آرش. زاهدی، محمدرضا (۱۳۸۹) "بررسی عوامل مربوط به پتانسیل کارآفرینی و ارائه یک رویکرد چند وجهی مطالعه موردی (صنعت قطعه سازی خودرو)" فصل نامه علمی پژوهشی مطالعات مدیریت صنعتی سال ششم، شماره ۱۷، تابستان ۸۹، صفحات ۱۰۷ تا ۱۳۳.
 ۳. بهزادیان نژاد قربان، (۱۳۸۰)، «ضرورت توجه به کارآفرینی و فناوری های پیشرفته»، مجموعه مقالات کارآفرینی و فن آوری پیشرفته، جلد اول، چاپ اول انتشارات دانشگاه.
 ۴. جان ویلیام ملور، (۱۳۸۳)، «اقتصاد کشاورزی و توسعه کشاورزی در ایران (تعامل اهداف و راهبردها)»، سال دوازدهم، بهار، شماره ۴۵.
 ۵. جهانیان، مهری (۱۳۸۵). کارآفرینی، بابل: انتشارات علوم رایانه.
 ۶. حقیقی، محمد. (۱۳۸۶). بازرگانی بین الملل تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
 ۷. داستانبور نصرالله، (۱۳۸۷). «مجموع مقالات دومین همایش توسعه کشاورزی شهرستان ایذه»، جلد اول، چاپ اول، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد ایذه.
 ۸. رضوی نعمت‌اللهی اقدس‌السادات، (۱۳۸۶). «مفاهیم و کلیات کارآفرینی» سایت زنان کارآفرینی.
 ۹. زمانی پور اسدا...، (۱۳۷۳)، ترویج کشاورزی در فرآیند توسعه. بیرجند، انتشارات بیرجند.
 ۱۰. سلجوقی، خسرو (۱۳۸۶)، «ساز و کار مدیریت توسعه کارآفرینی در کشور». تهران، معاونت برنامه ریزی منابع انسانی و توسعه کارآفرینی
 ۱۱. سوانس‌بور، (۱۳۷۹). مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی.
 ۱۲. عمادی حسین، (۱۳۷۵). «نظام دامداری سنتی در روند توسعه دامداری در ایران»، مجموعه مقالات اولین سمینار پژوهشی بز و گوسفند»، جلد اول، چاپ دوم.
 ۱۳. فیض بخش، علیرضا، (۱۳۸۳). کارآفرینی عمومی موسسه انتشارات علمی دانشگاه صنعتی شریف، ص ۳.
 ۱۴. قره‌باغیان مرتضی، (۱۳۷۱). اقتصاد رشد و توسعه، جلد اول، نشر نی، چاپ اول، تهران.
 ۱۵. گل محمدی فرهود، (۱۳۸۷)، «مجموع مقالات دومین همایش راهکارهای توسعه کشاورزی شهرستان ایذه». جلد دوم، چاپ اول. انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد ایذه.
 ۱۶. یعقوبی ج، سلمان زاده ص، صفال و خشنودی فر ز. (۱۳۸۵). «بررسی مشکلات آموزش عالی کشاورزی در ایران و راهکارهای بهبود آن از دیدگاه دانشجویان سال آخر کشاورزی»: مطالعه موردی دانشگاه زنجان، همایش آموزش کشاورزی. تهران.
17. Bure F. John Ston and John W. Mellor; (September 1961). *the Role of Agriculture in Economic Development; American Economic Review* .p.14-15.
18. Drucker, P. F. (1985). *Innovations and Entrepreneurship: Practice and Principles*. New York: Harper and Row.
19. Shane, S. & Venkataraman, S. (2000). *The promise of entrepreneurship as a field of research*. *Academy of Management Review*, 25(1): 217-226
20. Schumpeter, J. (1934). *Capitalism, socialism, and democracy*. New York: Harper and Row.
21. Verheul, I. et al. (2001). "An eclectic theory of entrepreneurship". *Tinbergen Institute Discussion Paper*. Indianapolis: Institute for Development Strategies, Indiana University